

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.8,
No. 15,
Spring & Summer 2023
P 173 - 199*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۸ ش ۱۵ بهار و تابستان ۱۴۰۲
صفحات ۱۷۳ - ۱۹۹

زمینه سازی قرآنی حضور اجتماعی زنان با تکیه بر دیدگاه امام خامنه‌ای

محمد جواد یعقوبی*

چکیده

بر پایه خط سیر اسلام و تعقل فطری انسانی این امر را آشکار می‌سازد که تفاوتی در حقیقت خلقت زن و مرد وجود ندارد از همین روست که رشد و تکامل معنوی هر دو نیز در گرو تقوا و فضیلت می‌باشد. با عنایت به بیانیه گام دوم انقلاب توسط رهبری، نفس حضور زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند در جوامع انسانی و نقش سازنده آنان در شکل‌گیری اجتماع غیرقابل انکار است، برخلاف جوامع دیگر و به اصطلاح تمدن یافته، کرامت و منزلتی که اسلام به زن داده است و همچنین مقام و حقوقی که برای او به عنوان مادری، همسری و فرزندگی در جامعه اسلامی قائل شده است در هیچ‌یک از جوامع غیر اسلامی نظیر آن را نخواهیم یافت. در پژوهش پیش رو با روش تحلیلی - توصیفی با بررسی فرامین الهی و تدبر در پیام‌های آیات قرآنی به خوبی نمایان می‌گردد که زنان مسلمان با رعایت برخی از ضوابط و شرایطی که حافظ کرامت انسانی آنها می‌باشد می‌توانند همانند مردان در عرصه‌های مختلف

* دکتری جریان‌های کلامی معاصر جهان اسلام، مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات

ادیان، جامعه المصطفی العالمیه، mjawadyaqubi@gmail.com

اجتماعی مانند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... حضور داشته و نقش آفرینی نمایند. حضور زنان موفق و شایسته و الگوسازی آن‌ها برای جامعه، زمینه‌سازی اسلام جهت حضور زنان در عرصه عبادی اجتماعی مانند اجتماع عظیم حج، مسجد و اعتکاف و گواه قرآنی-تاریخی اشتغال زنان در پرتو قرآن و با تکیه بر دیدگاه‌های دقیق و کارشناسانه مقام معظم رهبری از برآیندهایی است که در این مقوله به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: اجتماع، خانواده، زن مسلمان، اشتغال، قرآن، رهبر انقلاب.

مقدمه

با عنایت به این امر که مخاطبین بیانیه گام دوم انقلاب جوانانی هستند که جهت تحقق تمدن نوین اسلامی و آمادگی شکل‌گیری حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی فرجه) و توجه به این نکته که نیمی از جوانان را زنان تشکیل داده‌اند پس به جرأت می‌گوییم نقش زنان در بیانیه گام دوم انقلاب، غیرقابل‌انکار و بی‌اندازه پراهمیت است.

از سوی دیگر رهنمودهای رهبری جهت ایجاد تمدن اسلامی، بایست بستری مهیا شود که آن بستر ایجاد سبک زندگی اسلامی در جامعه است که بی‌شک زنان می‌توانند به‌عنوان نقش‌آفرینان این عرصه با یک حرکت هوشمندانه و همه‌جانبه و کاملاً علمی، باز هم در صحنه حضور اجتماعی امروز خود، افتخارآفرین باشند.

در ادامه تفسیر ابعاد بیانیه گام دوم انقلاب بر آن داشت تا مسئله چالش‌انگیز ابعاد حضور اجتماعی زنان را با توجه به آیات الهی و تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری تبیین و بررسی گردد.

در زمان کنونی حضور و اشتغال زنان مسلمان در اجتماع امری برخاسته از فطرت (آهی، ۱۳۹۵، ص ۵۴۱) و نیاز است که نیازمند توجه دقیق و کارشناسی دینی می باشد تا دوگانگی برخورد با این مسئله اجتماعی به نتیجه معقول و با پشتوانه‌ی دینی برسد. یک دیدگاه بر این است که وظیفه اصلی و الهی زن مسلمان از آن جهت که همسر و مادر خانه هست، حفاظت و پرورش از اجتماع کوچک خانواده و همسرش و همچنین تربیت متعالی فرزندان که تنها در دامن مطهرش می شکفت پس ضرورتاً با توجه به آسیب‌هایی که فعالیت اجتماعی زن دارد در تضاد هست لذا جواز فعالیت و اشتغال آن را تخطئه می کند.

آسیب‌هایی مثل: صدمات جسمی و روحی که به علت درگیری‌های اجتماعی و رقابت‌های شغلی در محل کارشان رخ می دهد و منجر به ناراحتی‌های اعصاب و روان می شود، خستگی مضاعف از فعالیت اجتماعی خارج از خانه و سپس ایفای نقش اصلی اش به عنوان مادر و همسر در داخل منزل او را آسیب پذیرتر می سازد. کاهش ارتباط با اعضای خانواده، نرسیدن به شوهر (نارضایتی شوهر)، کاهش میزان ازدواج، خطر ارتباط نامشروع با دیگران و...

نظریه مقابل اعطای آزادی کامل به زن بوده که مبتنی بر برابری زن و مرد در سهمشان از اجتماع هست، با توجه به نیازهای جامعه و سختی زندگانی زنان سرپرست خانوار در عصر حاضر ضرورت حضور آنان را بیش از پیش نمایان ساخته و ضروری می نماید.

با مطالعه و بررسی آموزه‌های دینی و قرآنی می توان به جواز حضور زنان در مشارکت اجتماعی در عرصه‌های مختلف اجتماع مانند، حضور در مناصب حکومتی، فعالیت‌های اقتصادی، مساجد و دیگر اماکن عبادی اذعان نمود، با مراجعه به تاریخ

خصوصاً بعد از ظهور دین مبین اسلام، درمی‌یابیم که زنان الهی، در عرصه‌های گوناگون اجتماعی حضور فعالی داشتند و این امر با شواهد قرآنی نیز همراه است. در همین راستا مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: «عرصه‌ی دوم - که عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و علمی و فعالیت‌های گوناگون است - زنِ مسلمان مثل مردِ مسلمان حق دارد آنچه را که اقتضای زمان است، آن خلأیی را که احساس می‌کند، آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند، انجام دهد. چنانچه دختری مثلاً مایل است پزشک شود، یا فعالیت اقتصادی کند، یا در رشته‌های علمی کار کند، یا در دانشگاه تدریس کند، یا در کارهای سیاسی وارد شود، یا روزنامه‌نگار شود، برای او میدان‌ها باز است».

ایضاً در جای دیگری ایشان با تأکید به نگاه اسلام به مقام قدسی زن تبیین می‌کنند که مواردی همچون: بیعت زن، مالکیت زن، حضور زن در عرصه‌های اساسی سیاسی و اجتماعی و غیره در اسلام تثبیت شده است، «إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ». «زن‌ها می‌آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند. پیغمبر اسلام فرمود که مردها بیایند بیعت کنند و به تبع آن‌ها، هر چه که آن‌ها رأی دادند، هر چه که آن‌ها پذیرفتند، زن‌ها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زن‌ها هم بیعت می‌کنند؛ آن‌ها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

پیشینه و روش تحقیق

کاوش‌های علمی صورت‌گرفته در این زمینه اندک بوده و این قلت در فعالیت‌های قرآنی محدودتر نیز هست، به‌طور کلی مقالات علمی مشاهده‌شده در زمینه‌ی حضور اجتماعی زنان با تکیه بر قرآن، احادیث و روایات عبارت‌اند از: «گفتمان قرآنی در ابعاد

حضور اجتماعی زن» اثر محمد آهی، «نقش زن در اجتماع از منظر قرآن و آموزه‌های اسلام» تألیف فاطمه حسینی تبار، «حضور زن در جامعه از دیدگاه قرآن و روایات» از سید علی اکبر ربیع‌نجاج، «نقش زنان در تعلیم و تربیت از منظر اسلام و قرآن» پژوهش ساناز بهمن پور و محمدباقر اکبرپور زنگلانی، «جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن»، نوشته سامره شاهدی و محمدعلی فرجودی؛ «آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام» نوشته سهیلا جلالی کندی همه‌ی این مقالات اغلب به بحث روایی نظر داشته‌اند. برخی از آثار هم با تجمیع و دسته بندی بیانات رهبری پیرامون مسئله زن و خانواده تدوین شده‌اند مانند: «زن از دیدگاه مقام معظم رهبری» و «زن و خانواده» و مجموعه «نقش و رسالت زن» که در پنج جلد می‌باشد، تحقیق روبرو با استفاده از آیات قرآن کریم و مصادیق آن، حضور اجتماعی زنان با تکیه بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و برداشت ایشان با روش توصیفی - تحلیلی بر مبنای عقلی - منطقی در ابعاد گوناگونی همچون عرصه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مورد قرار داده است که نوآوری آن قلمداد می‌شود.

۱. عرصه اجتماعی

انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که اجتماعی بودن آن در وجودش نهادینه شده از برجسته‌ترین ویژگی‌های اوست، به‌گونه‌ای که نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. از این مسئولیت اجتماعی به «امر به معروف و نهی از منکر» و به اصطلاح اصلاح جامعه اسلامی تعبیر می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم به تعابیر متفاوت (آل عمران: ۱۰۴

و ۱۱۴؛ لقمان: ۱۷؛ اعراف: ۱۵۷؛ حج: ۴۱) و بیانات مختلف بکار رفته است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (آل عمران: ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. همچنین در جای دیگری از قرآن آمده است: «الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۷۱)؛ آمران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت‌ده به (این‌چنین) مؤمنان!

نقطه عطف این فعالیت اجتماعی مشترک بودن آن بین زن و مرد است طبق سیاق آیه شریفه هم مردان و هم زنان موظف به انجام این مسئله اجتماعی حیاتی می‌باشند: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (بقره: ۷۱)؛ و مردان و زنان با ایمان یار و دوستدار یکدیگرند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز به پا می‌دارند.

مقام معظم رهبری در تفسیر آیه فوق و با توجه به تصریح شمول زنان در این مسئله مهم اجتماعی در جامعه اسلامی می‌فرماید: «اسلام وقتی که می‌گوید... (اشاره به آیه مذکور) مؤمنین و مؤمنات در حفظ مجموعه‌ی نظام اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر همه سهیم و شریک‌اند؛ زن را استثنا نکرده. ما هم نمی‌توانیم زن را استثنا کنیم. مسئولیت اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی و پیشرفت جامعه‌ی اسلامی بر دوش همه است؛ بر دوش زن، بر دوش مرد؛ هرکدامی به نحوی برحسب توانایی‌های خودشان. بحث سر این نیست که زن آیا می‌تواند مسئولیتی در بیرون از منزل داشته باشد یا نه - البته که می‌تواند، شکی در این نیست؛ نگاه اسلامی مطلقاً این را نفی نمی‌کند - بحث

در این است که آیا زن حق دارد به خاطر همه‌ی چیزهای مطلوب و جالب و شیرینی که در بیرون از محیط خانواده برای او ممکن است تصور شود، نقش خود را در خانواده از بین ببرد؟ نقش مادری را، نقش همسری را؟ حق دارد یا نه؟ ما روی این نقش تکیه می‌کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

عرصه اجتماع خانواده

از ابتدای زندگی بشر، خانواده رکن اصلی جامعه انسانی محسوب می‌شده است که هم با نحوه زندگی انسان‌ها و هم با طبیعتشان سازگاری داشته است. بر اساس آموزه‌های قرآنی خانواده مهم‌ترین بستر آموزش و پرورش انسان می‌باشد که با انتقال فرهنگ و تمدن صحیح، محل کسب ارزش‌ها و فضایل انسانی و اخلاقی، زمینه‌ساز تکامل و تحول، کارگاه الگوسازی و سرنوشت‌سازی می‌باشد. «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء: ۳۴)؛ زنان صالح، آن‌هایی هستند که همواره مطیع شوهر خود هستند و در غیاب او، حقوق وی را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. بر اساس این آیه، زنان صالح و درستکار، کسانی هستند که در برابر نظام خانواده متعهد می‌باشند و نه تنها در حضور شوهر، بلکه در غیاب او «حفظ الغیب» می‌کنند؛ به عبارت دیگر در نبود او، مرتکب خیانت (مالی، ناموسی، شخصیتی شوهر و اسرار خانواده) نمی‌شوند؛ ایشان در برابر حقوقی که خداوند برای آن‌ها قائل شده که با جمله «بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» به آن اشاره گردیده، وظایف و مسئولیت‌های خود را به‌خوبی انجام می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۷۱).

در یک جمله اساساً سعادت و شقاوت جامعه درگرو تأمین سلامت یا عدم سلامت خانواده است که رأس ضلع آن به زن سپرده شده است. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن

نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۸۹)؛ او کسی است که شما را از یکتا آفرید و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد؛ پس هنگامی که مرد با زن آمیزش نمود، زن به حملی سبک حامله شد، پس با آن حمل سبک، زندگی را ادامه داد؛ پس چون سنگین‌بار شد، زن و شوهر پروردگارشان را خواندند که اگر به ما فرزندی تندرست و سالم عطا کنی، مسلماً از سپاس‌گزاران خواهیم بود؛ و همچنین در آیه‌ی دیگری این‌چنین بیان شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱).

از دیدگاه اسلام، خانواده از جایگاه والا و منزلت ویژه‌ای برخوردار است و در محیط خانواده، زنان مدیریت داخلی این واحد کوچک اجتماعی را به عهده دارند و در سایه تلاش آنان مشکلاتی همچون، احساس بی‌هویتی، احساس ناامنی اجتماعی، محرومیت از داشتن الگوی مناسب شخصیتی، ترس و اضطراب، بی‌هدفی، کمبودهای عاطفی و... رخت برمی‌بندد و شخصیت و ساختمان روانی سایر اعضای خانواده شکل می‌گیرد و روح آن‌ها تلطیف می‌شود. به همین علت قرآن کریم در برخورد با زنان نهایت مراعات و مراقبت با آن‌ها را طلب کرده است: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹)؛ و با آنان به صورتی شایسته و پسندیده رفتار کنید؛ زیرا از بین رفتن آرامش و احترام زن در کانون خانواده باعث تأثیرات سوئی بر روی آرامش اجتماع کوچک خانواده می‌گردد که بالتبع آن جامعه انسانی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

مقام معظم رهبری در راستای توصیه‌های قرآنی مذکور چنین بیان داشتند: «محیط خانواده، محیط آرامش است باید محیط آرامش باشد. این عاطفه‌ای که در زن و مرد نسبت به هم وجود دارد، به این آرامش درونی کمک می‌کند. این سکونت، این آرامش، به معنای آرامش در مقابل حرکت نیست، حرکت خوب است؛ این به معنای آرامش در مقابل تلاطم است. انسان گاهی در زندگی اش دچار تلاطم می‌شود. همسر، یک آرامشی به انسان می‌دهد که متلاطم نباشد. این در صورتی است که فضای خانه، فضای متلاطمی نباشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱).

بنابراین، مادران منشأ عاطفه انسانی در کانون گرم خانواده بوده و وجود مقدس آنان و نقش رهبری آن‌ها ضامن پاسداری از ارزش‌های انسانی اسلامی بسیار مهم و خطیر می‌باشد. زن، علاوه بر وجهه انسانی خویش و نیز نقش اجتماعی‌اش در سطح جامعه کلان، در سطح خانواده نیز دارای نقش و مسئولیت‌هایی است که تربیت صحیح فرزند و پاسداری از کیان انسانی و دینی خانواده، مهم‌ترین وظایف او، به‌عنوان مادر و همسر می‌باشد (هاشمی، ۱۳۸۶). به همین علت قرآن کریم اکرام و احترام به مادران را بیش از پدران مورد تأکید فراوان خود قرار داده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵)؛ و انسان را درباره پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش او را با تحمل رنج و زحمت باردار شد و با رنج و زحمت او را زایید؛ و دوران بارداری و بازگرفتنش از شیر سی ماه است. همچنین در جای دیگری آمده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» (لقمان: ۱۴).

مقام معظم رهبری نیز یکی از علل مهم ضرورت توجه به موضوع زن را نقش اساسی و محوری زن در خانواده دانستند و خاطر نشان کردند: «در نگاه اسلام، خانواده پایه بسیار مهم و سلول اصلی جامعه است. به گونه‌ای که بدون بهره‌مندی از خانواده‌ای سالم، سرزنده و بانشاط، امکان پیشرفت جامعه بخصوص پیشرفت فرهنگی وجود ندارد و این‌گونه خانواده‌ها نیز بدون حضور زنان مؤمن و فهیم شکل نمی‌گیرند و استمرار نمی‌یابند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰).

همچنین به‌عنوان نتیجه‌گیری از ارزش حضور زن در پاسبانی از اجتماع کوچک خانواده، ایشان این‌گونه بیان کرده‌اند: «اگر در جامعه‌ای زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و باهم اخلاق خوش داشتند و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را برطرف نمودند و فرزندان را تربیت کردند، جامعه‌ای که این‌طور خانواده‌ها را داشته باشد، به صلاح خواهد رسید و نجات پیدا خواهد کرد و اگر مصلحی در جامعه باشد، می‌تواند این‌طور جوامع را اصلاح نماید. اگر خانواده‌ای نبود، بزرگ‌ترین مصلحان هم بیایند، نمی‌توانند جامعه را اصلاح کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲).

۲. عرصه فرهنگی

اسلام مرد و زن را در تدبیر شؤون زندگی به‌وسیله اراده و کار، مساوی می‌داند از این‌رو هر دو در تحصیل احتیاجات زندگی و آنچه مایه قوام حیات انسانی است یکسان می‌باشند. زن می‌تواند همانند مرد مستقلاً کار کند و مالک نتیجه‌ی کار و کوشش خود شود. در صدور فرمان الهی فرقی بین زن و مرد نیست مگر در احکامی که ویژه یکی از ایشان است.

تحصیل علم و کسب دانش نیز از احکامی است که زن و مرد در آن مشترک می‌باشند و هرگز دین اسلام جنس را سد راه دانش‌اندوزی نمی‌داند. تمام آیات و روایاتی که درباره تحصیل علم و دانش وارد شده، همانند «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» خطابات عمومی است که شامل زنان نیز می‌شود.

اسلام «علم» را نور و «جهل» را ظلمت و علم را بینایی و جهل را کوری می‌داند: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ» (رعد: ۱۶)؛ بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عالم یکسان است؟ آیا ظلمات و تاریکی جهالت با نور علم و معرفت مساوی است؟

همچنین در آیه دیگر آمده است: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۹)؛ آیا آنان که به سلاح علم مجهزند با آنان که با جهل و نادانی دست به گریبانند، با هم برابرند؟ فقط اندیشمندان تفاوت این دو گروه را درک می‌کنند و امتیاز آنان را باز می‌یابند.

وقتی علم در دیدگاه اسلام نور و بینایی است دستیابی به آن بر هر مسلمانی فرض است. آیامی توان گفت که از نظر اسلام تنها بر مردها لازم شده که از ظلمت خارج شوند و به روشنایی برسند، اما زنان چنین وظیفه‌ای ندارند و باید همچنان در ظلمت جهل و نادانی باقی بمانند؟!

آیه دیگری به پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می‌فرماید: «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲؛ آل عمران: ۱۶۴)؛ خطاب به پیامبر آمده است که آیات قرآن را بر مردم بخواند و روح آن‌ها را تزکیه کند و به آن‌ها کتاب و حکمت بیاموزد.

دانشمندان معتقدند بعضی عمومات و کلیات از «تخصیص» ابا دارد و لحن و بیان به‌گونه‌ای است که قابل تخصیص نیست و مطلب آن‌چنان است که برای عقل قابل تبعیض نمی‌باشد. مثلاً درباره علم و تقوی آمده است: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»؛ درباره «تقوا» هم گفته شده: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» (ص: ۲۸)؛ و باز فرموده: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳).

در همه این موارد گرچه صیغه‌ها مذکر است اما با توجه به شواهد تاریخی بسیار از سیره‌ی نبوی نمی‌توان ادعا نمود، آنچه در آیات کریمه ذکر شده اختصاص به مردها دارد و شامل زنان نیست (شاهدی و فرجودی، ۱۳۸۹). مقام معظم رهبری با اشاره به همین نکته، از برابری زن و مرد در برابر ارزش‌های الهی و وظایف مشترکی که دارند سخن می‌گویند: «نگاه اسلام این است که زن و مرد از لحاظ ارزش‌های انسانی برابرند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ» (احزاب: ۳۵) تا آخر؛ مرد مسلمان و زن مسلمان در مورد ارزش‌های الهی و انسانی هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند. وظایف مشترکی هم هر دو دارند؛ وظیفه‌ی امر به معروف مشترک است، وظیفه‌ی خدمت مشترک است، وظیفه‌ی جهاد فی سبیل الله [برای] هر کدام به‌نوعی مشترک است، مربوط به مرد یا مربوط به زن ویژه نیست. هر کدام هم وظایف ویژه‌ای دارند؛ زن وظایفی دارد، مرد وظایف ویژه‌ای دارد که خدای متعال به خاطر ادای همین وظایف ویژه، ترکیب ساختمان جسمی و روحی آن‌ها را هم متناسب با آن وظیفه بنا کرده و خلق کرده» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹).

در تبیین عنوان فوق‌الذکر مقام معظم رهبری، نظر اسلام را به صراحت این‌گونه مطرح ساخته‌اند که در نظر اسلام حضور زنان در عرصه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، نباید بر زنان تحمیل و اجبار کرد و نه سد راه آنان شد. زنان اگر مشتاق‌اند در این عرصه‌ها ورود کنند مانعی نداشته و البته که فعالیت علمی بسیار خوب است و بر سایر فعالیت‌ها نیز ترجیح دارد (کربلایی نظر، ۱۳۹۱، ص ۲۶۵-۲۶۴).

۳. عرصه عبادی

یکی دیگر از جایگاه حضور زنان مسلمان در عرصه اجتماع، حضور در مراسم عبادی - اجتماعی مانند حج، اعتکاف، مسجد و... می‌باشد که با تتبع و بررسی شواهد قرآنی، درمی‌یابیم که اساس خطابات قرآنی شامل تمام مردم مسلمان از جمله زنان نیز می‌باشد. «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (آل عمران: ۳۷)؛ معتکف شدن حضرت مریم در عبادتگاه حاکی از حضور زنان در این مراسم عبادی اجتماعی می‌باشد. همچنان که در جای دیگر قرآن آمده است: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ» (بقره: ۱۸۷)؛ حکم به پرهیز از هم‌بستری با همسران در زمان اعتکاف، اشاره به حضور زنان در این اجتماع عبادی دارد.

یکی دیگر از عبادت‌هایی که حکم و جوب آن‌هم برای زن و هم برای مرد صادر گردیده است «حج» می‌باشد: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران: ۹۷)؛ در اینجا کلمه «ناس» مطلق آمده است و هم شامل زن و مرد می‌شود. حج همان‌گونه که واضح است یک عمل عبادی اجتماعی است که زنان و مردان در کنار هم حضور یافته و به مناسک آن می‌پردازند. مستندات قرآنی حضور زن در اجتماع

نشان از توجه خاص دین اسلام به حضور اجتماعی زنان همراه با مردان با حفظ حدود شرعی می‌باشد.

از طرفی حضور زنان در نمازهای جماعت دال بر جواز حضور بانوان در مسجد می‌باشد که محل اجتماع مردمان بوده و نقش راهبردی را در جوامع اسلامی به عهده دارد. نیز کعبه اولین خانه‌ای است که برای عبادت مردم (اعم از زن و مرد) بنا شد و عبادت‌کنندگان را به سوی خود جذب کرد: «إِلَّا نَّ أَوْلَىٰ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِيكَةِ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶)؛ مکه و مسجدالحرام، کامل‌ترین مصداق مسجد است. در همین زمینه با اشاره به حضور اقشار مختلف جامعه خصوصاً زنان در مراسم‌های عبادی اجتماعی مقام معظم رهبری چنین فرمودند: «بنابراین باید قدر مساجد را دانست. باید در مساجد حضور پیدا کرد. بحمدالله به برکت انقلاب در این سال‌های اخیر، این معنا زیاد شده و کیفیت پیدا کرده است. همه شنیدید که امسال در ایام اعتکاف در ماه مبارک رجب، در بسیاری از مساجد سراسر کشور، جوانان ما، زنان و مردان از قشرها و سنین مختلف، رفتند و در مسجد ماندند؛ سه روز روزه گرفتند و با خدا مأنوس شدند. بعد از آن‌هم با گریه و اشک و آه، مسجد را وداع گفتند و بیرون آمدند تا برای سال آینده آماده شوند. عزیزان من! این برای یک جامعه، علامت خوبی است. «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ» (حج: ۴۱)، علامت یک حکومت الهی، علامت یک حرکت صحیح و دارای جهت‌گیری صحیح است. این را جدی بگیرید و تقویت کنید. بحمدالله مسئله تنظیف و تطهیر و پاک‌سازی و غبارروبی و عطرافشانی مساجد - کارهایی که این روزها انجام می‌گیرد - همه جزء کارهای خوبی است که بحمدالله انجام هم می‌گیرد و خوب است که انجام دهید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵).

۴. عرصه اقتصادی

یکی دیگر از ابعاد حضور اجتماعی زنان اشتغال آنان است، در قرآن مجید آیاتی به این بعد اجتماعی اشاره کرده و زنان موفق را به عنوان اسوه‌ی موفق عملی در عرصه اجتماع و اشتغال معرفی کرده است که در ادامه این نوشتار آن بانوان مطهره معرفی خواهند شد.

برخی از آیات الهی منعکس‌کننده دیدگاه اسلام به مقوله حضور زنان در عرصه اقتصادی می‌باشد. قبل از ورود به بررسی مفاهیم آیات، ابتدا باید به این نکته توجه نمود که زنان همانند مردان در مسائل اقتصادی و مالکیت از استقلال برخوردارند. حق ملکیت مهریه و توارث از جمله مسائل متیقنی است که در ابواب فقه اسلامی مطرح شده است. در قرآن کریم نیز راجع به استقلال اقتصادی زنان چنین آمده است: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ» (نساء: ۳۲)؛ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان هم از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است.

در مورد حضور زنان در صحنه کار و اجتماع، قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ» (قصص: ۲۳)؛ کار چوپانی دختران حضرت شعیب (عَلَيْهِ السَّلَام) و جایگزین شدن آنان در نگهداری از گوسفندان بجای پدرشان از جمله مواردی است که در مورد اشتغال زنان، در قرآن به آن اشاره شده است. خداوند در آیات متعدد دیگری، حضور و اشتغال زنان در اجتماع را مورد تأکید قرار داده است: «فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۳۴)؛ با کی بر شما نیست؛ در آن اموری که زنان در رابطه با خود و از روی معروف انجام می‌دهند. اطلاق و عموم این آیه، شامل اتخاذ شغل نیز می‌شود، یعنی اگر زنان

بخواهند در بخشی از زندگی خود که فارغ از انجام حقوق دیگران است به فعالیت‌های اقتصادی و یا اجتماعی پردازند، مانعی ندارد به شرطی که طبق فرموده قرآن بر اساس معروف یعنی اصول عقلانی و انسانی و عرف جامعه باشد.

در مورد مادر حضرت موسی شغل دایه در دربار توسط او، در مورد ملکه سبا در ذکر او بدون هیچ‌گونه شماتت بر جایگاه فرماندهی، تدبیر، درایت و عاقلانگی از جمله در فرستادن هدیه برای سلیمان، همه و همه حکایت از نگاه مثبت قرآن به جایگاه و منزلت دنیایی زنان دارد (ودود، ۱۳۹۳).

همان‌طور که مشخص است در صدر اسلام، اولین حامی اقتصادی پیامبر گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) حضرت خدیجه بود که از تجار موفق و به نام آن دوره به حساب می‌آمد که پس از ازدواج با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نیز به اشتغال و فعالیت اقتصادی خود ادامه داد. در این زمینه در قرآن کریم خطاب به پیغمبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) این‌گونه بیان شده است: «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» (ضحی: ۸)؛ حضور این بانوی عظیم‌الشأن به‌عنوان حامی در کنار پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، نقش مهمی را در گسترش و تبلیغ اسلام ایفا نموده است بنابراین موضع اسلام نه‌تنها درباره کار کردن زن، موضع درست و طبیعی دینی است که در پی ساختن اجتماعی استوار و به‌هم‌پیوسته است و می‌داند ساختن چنین جامعه‌ای نیازمند تلاش و حضور فعال و بنیادی زن است و به‌خوبی آگاه است، نقش مهم و اساسی زن در ساختن اجتماع کوچک خانواده، مانع ایفای نقش وی در ساختن جامعه بزرگ اسلامی، از طریق کار کردن نیست.

در همین راستا بر اساس دیدگاه رهبری یکی از حقوق مسلم زن اشتغال بوده و حتی اگر با شغل اصلی وی که حفاظت معنوی از کیان خانواده و رشد متعالی

فرزندانش هست در تضاد نباشد (مطهری، ۱۳۶۵، ص ۴۹؛ سادات، ۱۳۷۳، ص ۷)، گاهاً این اشتغال ضروری نیز می‌گردد: «اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد! اما این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند. تکبر از همه‌ی انسان‌ها مذموم است، مگر از زنان در مقابل مردان نامحرم! زن باید در مقابل مرد نامحرم متکبر باشد. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» (احزاب: ۳۲)؛ در حرف زدن مقابل مرد نباید حالت خضوع داشته باشد. این، برای حفظ کرامت زن است. اسلام این را می‌خواهد و این الگوی زن مسلمان است».

از دیدگاه اسلام حضور زنان در عرصه اقتصادی و اشتغال بدون هیچ محدودیتی نیز پذیرفته نیست در همین راستا مقام معظم رهبری در مورد شرایط حضور زنان در این عرصه چنین فرموده‌اند: «اسلام با کار کردن زن موافق است. نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آنجا که مزاحم با شغل اساسی و مهم‌ترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱). در ادامه با تأکید بر در نظر داشتن شرایطی (دو شرط اصلی قرآنی حضور زن در اجتماع عبارت‌اند از: پوشش و حجاب، پرهیز از تبرج)، (طاهری‌نیا، ۱۳۸۵) و دغدغه‌های اصلی کرامت زن مسلمان در اشتغال این‌گونه بیان می‌دارند: «این کار نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را ذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۱).

لطمه نزدن به پیوند زناشویی، رعایت حدود و احکام الهی، متناسب بودن با توان جسمانی و علاقه، عدم تحمیل کار سنگین، رعایت عفت و عفاف و عدم اختلاط و امتزاج با مردان، پرهیز از ملعبه شدن به وسیله‌ی دیگران در مسائل شهوانی و جنسی و... (جلالی کندی، ۱۳۸۴، ص ۶۸) از جمله الزامات حضور در عرصه اقتصادی زن مسلمان و اشتغال آن‌ها می‌باشد که از سوی مقام معظم رهبری در بیانات مختلف تبیین و تشریح شده است (کربلایی نظر، ۱۳۹۱، ص ۲۶۵-۲۶۹).

الگوسازی از زنان شایسته:

خداوند برای رسیدن به هدف هدایت‌گری خود از روش الگوسازی برای مردم، نیز استفاده کرده است که اغلب پیامبران الهی خود را به‌عنوان اسوه در سرتاسر قرآن معرفی می‌نماید تا بدین وسیله حجت در تمام زمینه‌های تاریخی بر مردمان تمام باشد، راجع به معرفی پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) به‌عنوان الگو می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)؛ همین‌گونه در مورد حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ» (ممتحنه: ۴). یکی از مواردی که در قرآن چشمگیر است معرفی زنان نمونه و شایسته به‌عنوان الگو برای مسلمین در کنار معرفی الگوهای منفی می‌باشد.

قرآن پس از آوردن مثال و تبیین راجع به زنان حضرت نوح و لوط (عَلَيْهِمَا السَّلَام) به‌عنوان دو نمونه‌ی بد، از حضرت آسیه همسر فرعون یاد می‌کند که الگوی شایسته برای جامعه اسلامی است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱)؛ و برای کسانی که ایمان آورده‌اند (مسلمانان) خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که

گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان. تعبیر قرآن در آیه این نیست که همسر فرعون نمونه زنان خوب است، بلکه می‌فرماید: زن خوب نمونه جامعه اسلامی است و جامعه برین از این زن الگو می‌گیرد، نه این که فقط زنان باید از او درس بگیرند.

در ادامه به‌عنوان دومین الگو با معرفی حضرت مریم از فضائل و ویژگی‌های این بانوی پاک‌دامن بیان می‌دارد: «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنْ الْقِسْمَاتِ اَلْحَسَنَاتِ» (تحریم: ۱۲)؛ و مریم دخت عمران را همان کسی که خود را پاک‌دامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمان‌برداران بود.

در معرفی سومین الگو قرآن از همسر حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) یاد کرده است: «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكْتُ فَبِشْرِنَاهَا بِإِسْحَاقَ» (هود: ۷۱)؛ بر اساس آیه شریفه حضرت ساره نه تنها مشاهده کننده و شنونده وحی بود بلکه خود نیز دریافت کننده بشارت از طرف حق است و حتی کاملاً در مکالماتی که بین او و فرشته وحی برقرار است نظرات خود را بیان می‌کند: «قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ» (هود: ۷۲)؛ تکلم با فرشتگان خدا و دریافت بشارت از سوی حق بیان‌گر موقعیت معنوی زن است که همپای با پیامبران الهی، دریافت وحی می‌کرده‌اند. «رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود: ۷۳)؛ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد.

یکی از بهترین نمونه‌ها از زنان موفق که به‌عنوان چهارمین الگو از سوی قرآن تصریح شده است داستان حضرت سلیمان (عَلَيْهِ السَّلَام) و بلقیس ملکه سبا می‌باشد: «إِنِّي

وَجَدَتْ أُمَّرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (نمل: ۲۳)؛ این بانوی گرامی با وجود داشتن علم و منطق بسیار و درایت و قدرت وافی، تسلیم محض پروردگار عالمیان شده و به حق ایمان می‌آورد.

به‌عنوان پنجمین الگو در قرآن، بانویی است که به اعلی‌ترین مقام الهی رسیده تبیین شده است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ» (آل عمران: ۶۱)؛ تعبیر «نساءنا» درباره حضرت زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) می‌باشد که بیانگر برتری و فضیلت ایشان بر سایرین است؛ زیرا پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از میان همگان، فقط آن چهار نفر را برگزید. آیه دیگری نیز در مقام عصمت اهل کساء خصوصاً حضرت زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) دلالت تام دارد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب: ۳۳)؛ بررسی روایات فریقین نشان می‌دهد که حضرت زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) سبب نزول این آیه است (طبری، ۱۹۸۸، ج ۱۲، ص ۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۶۰۴).

پس بعد دیگری از حضور زنان در جامعه و اجتماع، معرفی این بانوان گرامی و موفق به الگو و حسنه برای جامعه اسلامی باشد که در پرتو قرآن فهرست‌وار نام‌برده شد، یکی از موضوعاتی که در بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان زعیم جامعه‌ی اسلامی بر آن تأکید شده، ارائه‌ی الگو برای زنان در ابعاد مختلف و متناسب با نیاز روز می‌باشد. ایشان می‌فرمایند: «زنان مسلمان باید در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی، حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) را الگو قرار داده و پیروان راستین آن حضرت باشند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸). مقام معظم رهبری تبعیت زنان امروز جامعه اسلامی ایران از حضرت فاطمه زهرا (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) را به لحاظ کمی و کیفی بی‌نظیر توصیف کردند و ضمن

ابراز احترام و تکریم قلبی به آنان چنین فرموده‌اند: «زنان مسلمانی که امروز در نظام اسلامی با جدیت، دلسوزی و همراه با عفت و عصمت درس می‌خوانند، طبابت می‌کنند و یا در محیط‌های اجتماعی، علمی و سیاسی فعال هستند، پیروان فاطمه زهرا (سلام الله علیها) محسوب می‌شوند و این‌جانب با همه وجود برای چنین زنانی احترام و تکریم قائل هستم» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲).

۵. عرصه سیاسی

یکی از بعدها‌های مهم عرصه اجتماع برای حضور زنان، حکومت (نمل: ۴۴-۲۳)، انتخاب (ممتحنه: ۱۲)، قانون‌گذاری (شوری: ۳۸)، نظارت و کنترل (آل عمران: ۱۱۰) و ... بوده است.

در صدر اسلام پس از فتح مکه، پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) از مردان و زنان بسیاری بیعت گرفت، افزون بر مردان، زنان نیز در موارد متعدد با پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بیعت کرده‌اند که از میان آن‌ها بیعت زنان به «بیعت نساء» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۶۴). مشهور شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ ... فَبَايِعُهُنَّ»؛ ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند و با خواستار تو بیعت شوند ... با آن‌ها بیعت کن (ممتحنه: ۱۲).

بیعت در اصطلاح و فرهنگ اعراب به معنای پذیرش ریاست و حکومت کسی است (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۵۷). در حقیقت بیعت از سنت‌های عصر جاهلی است که به دوره اسلامی منتقل شده و مورد تأیید دین اسلام نیز قرار گرفته است. در فرهنگ سیاسی امروز همانند پدیده انتخاب که زمینه مشروعیت سیاسی حکومت و فرمان‌بری مردم از آن را فراهم می‌کند، باید دانست. بنابراین آیه کریمه به سهم داشتن زنان را در امری که نقش تعیین‌کننده در سرنوشت سیاسی جامعه و رابطه دوسویه

فرماندهی و فرمانبری حکومت و مردم دارد را تأیید می‌کند و پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) را به‌عنوان حاکم و فرمانروای دینی و سیاسی جامعه وادار به پذیرش آن می‌سازد. اطلاق آیات شورا و مشاوره «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) و «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ بیان‌گر ویژگی مؤمنان است که شامل زنان مؤمن در کنار مردان مؤمن می‌باشد که در امر قانون‌گذاری که یکی از عرصه‌های قدرت و حاکمیت است به‌صورت مجلس شورا بخشی از مشارکت مردم را در تعیین سرنوشت اجتماعی‌شان به نمایش می‌گذارد.

آیات دیگری که نشان از استقلال سیاسی زنان در رأس امور سیاسی و قدرت و حاکمیت است آیات مربوط به ملکه سبا می‌باشد. «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل: ۲۳)؛ آیه شریفه نگاه مثبتی نسبت به حکومت و ریاست زنان دارد. گرچه ملکه سبا در ابتدا مسلمان نبود، ولی در پایان با قبول درخواست حضرت سلیمان به معنای وسیع کلمه، یعنی تسلیم حکومت پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) زمان خودش مسلمان می‌شود. «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل: ۴۴)؛ با بررسی نکات و موارد بیان‌شده در تفاسیر و همچنین ویژگی‌ها و صفاتی که در ارتباط با ملکه سبا در آیات سوره نمل ذکر شده است بی‌تردید به این نتیجه می‌رسیم که قرآن نگاه منفی نسبت به حکومت ملکه سبا ندارد.

مقام معظم رهبری در تشریح حضور فعال زنان در عرصه سیاست اشاره کرده‌اند: «در میدان‌های سیاسی نیز، ما خانم‌هایی را دیده‌ایم و می‌بینیم که دارای قدرت تحلیل و سخنوری هستند و برای پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی آماده‌اند. البته این کار

بازهم رو به گسترش است و باید پیش برود» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸)؛ همچنین درباره‌ی هدف اصلی اسلام که به کمال رساندن فضیلت و معنویت زن است اشاره نموده و فرمودند: «اسلام می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و سیاسی و - بالاتر از همه - فضیلتی و معنوی زنان، به حد اعلیٰ برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده‌ی بشری - به‌عنوان یک عضو - حد اعلای فایده و ثمره را داشته باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸).

نتیجه

توجه داشته باشیم که در برخی از جوامع با تغییر ساختار جنسیتی بازار کار، الگوی سنتی خانواده با محوریت مرد نان‌آور خانواده، در حال تغییر است بالطبع از پیامدهای این تغییرات، حضور بانوان در اجتماع و ترکیب نقش‌های مادری با نقش‌های بیرون از منزل خواهد بود. یافته‌های پژوهش نشان داد اشتغال، فعالیت و حضور در عرصه اجتماعی برای زنان مسلمان با رعایت برخی از ضوابط و محدودیت‌های مطرح شده و با در نظر داشتن اولویت‌های زنان در فعالیت جوامع، از جمله حفظ کانون خانواده و عفت و پاک‌دامنی، نه‌تنها ممانعتی ندارد، بلکه یکی از مجوزهایی است که از طرف دین برای آن‌ها صادر شده است؛ به‌عبارت‌دیگر در کنار توجه اسلام به عفاف بدون هرگونه افراط و تفریط از جنبه‌های دیگر فعالیت زنان غافل نمی‌شود. اگر زنان حدود اسلامی را رعایت نمایند حضور آن‌ها در اجتماع نه‌تنها نهی نمی‌گردد بلکه در بعضی موارد شرکت آن‌ها واجب نیز می‌باشد.

در کلان نگرش مقام معظم رهبری در ترسیم گام دوم انقلاب درباره حضور همگان در عرصه برای پیشرفت و توسعه کشور، فارغ از اطلاق جنسیتی و تفکیک زن و مرد، همه جوانان را مورد خطاب قرار دادند و خط فاصلی میان زن و مرد نگذاشتند، از این روی

بایسته است مسئولان و تصمیم‌گیران عالی از طریق در دستور کار قرار دادن استفاده هم‌تراز از ظرفیت‌های زنان و مردان در همه سطوح، که فقط یکی از معیارهای سنجش میزان برقراری عدالت در جامعه است، پابندی عملی خود را در برقراری این مهم در جامعه در راستای اجرای بیانیه گام دوم انقلاب نشان دهند. نتایج این پژوهش کاربردهای زیادی در سیاست‌گذاری برای تسهیل ترکیب کار و امور خانه و افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و پیشبرد اهداف توسعه‌ای کشور خواهد داشت.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵ ش)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. آهی، محمد (۱۳۹۵ ش)، گفتمان قرآنی در ابعاد حضور اجتماعی زن، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۸، شماره ۴، ص ۵۵۶-۵۳۹.
۳. بیانات در ارتباط تصویری با مداحان ۱۳۹۹/۱۱/۱۵.
۴. بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه‌ی سالروز میلاد حضرت زهرا(س) ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.
۵. بیانات در دیدار جمعی از بانوان ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.
۶. بیانات در دیدار جمعی از بانوان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
۷. بیانات در دیدار جمعی از زنان ۱۳۷۱/۰۹/۲۵.
۸. بیانات در دیدار مردم قم - ۱۳۷۵/۱۰/۱۹.
۹. بیانات رهبری: (طبق تاریخ)
۱۰. بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۱۱. جلالی‌کندری، سهیلا، (۱۳۸۴ ش)، آداب مشارکت اجتماعی زنان از منظر اسلام، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال دوم شماره دوم. ص ۹۷-۶۵.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۴ ش)، زن گوهر آفرینش: جایگاه و حقوق زن در بیانات مقام معظم رهبری، تهران: بنیاد قرآن و عترت چاپ دوم.
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۵ ش)، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: بیطرفان، چاپ چهارم

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۱ش)، زن و خانواده: بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی با موضوع زن و خانواده، قم: زائر، چاپ اول
۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۳ش)، نقش و رسالت زن (پنج جلد)، به کوشش: امیر حسین بانکی پور فرد، تهران: انقلاب اسلامی، نسخه الکترونیکی
۱۶. خطبه عقد مورخه‌ی ۱۳۸۱/۳/۸
۱۷. خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۲/۶/۱۴
۱۸. دیدار جمعی از بانوان با رهبر انقلاب ۱۳۷۲/۰۹/۱۷
۱۹. سادات، محمد علی، (۱۳۷۳ش)، اخلاق اسلامی، تهران: چاپ و نشر ایران، چاپ سوم.
۲۰. سومین نشست اندیشه‌های راهبردی با سخنان رهبر انقلاب ۱۴/۱۰/۱۳۹۰
۲۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، عبدالرحمن بن ابی بکر، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۲۲. شاهی، سامره؛ فرجودی، محمدعلی (۱۳۸۹ش)، جایگاه شغلی زن در خانواده و اجتماع از دیدگاه قرآن، جامعه‌شناسی زنان دانشگاه آزاد واحد مرودشت، شماره ۴، ص ۱۳۱-۱۱۱.
۲۳. طاهری‌نیا، احمد، (۱۳۸۵ش)، زن و کیفیت حضور او در اجتماع از منظر قرآن، معرفت، شماره ۱۰۷، ص ۸۳-۷۶.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، (۱۹۸۸م)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالفکر.

۲۵. فولادوند، محمد مهدی، (۱۳۷۶ش)، ترجمه قرآن مجید، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ سوم.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳ ش)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
۲۷. کربلایی نظر، محسن و جمعی از محققین (۱۳۹۱ ش)، زن و بازیابی هویت حقیقی، گردآورنده: محسن کربلایی نظر، تهران: انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.
۲۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۵ ش)، تعلیم و تربیت، تهران: الزهراء، چاپ هشتم.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۰ ش)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. ودود، آمنه، (۱۳۹۳ش)، قرآن و زن بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، مترجمین: اعظم پویا و معصومه آگاهی، تهران: حکمت، چاپ اول.
۳۱. هاشمی، حسین، (۱۳۸۶ ش)، قرآن و نقش تربیتی مادر در خانواده، پژوهشهای قرآنی، شماره ۴۹ و ۵۰ ویژه نامه قرآن و خانواده.